

هویت اسلامی و هویت‌های رقیب (هویت جهانی، ملی و قومی) مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شیراز

محمدتقی ایمان^۱

علی روحانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۷/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۱/۳۰

چکیده

آیه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتِّقَاكُمْ» به راستی نشان می‌دهد که در نزد پروردگار، هیچ فرد یا گروهی بر فرد یا گروه دیگری برتری ندارد، جز کسانی که تقوای الهی داشته باشند. هویت اسلامی در واقع نه بر برتری فرد یا گروه، بلکه بر برتری تقوا و پرهیزگاری در میان انسان‌ها تأکید دارد که به لحاظ نظری، در مقابل هویت‌های رقیبی مانند هویت قومی، جهانی و ملی قرار می‌گیرد. بر همین اساس، تحقیق حاضر سعی داشته است رابطه میان هویت اسلامی و هویت‌های رقیب (هویت قومی، ملی و جهانی) را بررسی کند؛ بدین جهت، با استفاده از نظریه «هویت» شلدون/سترایکر و روش پیمایش اجتماعی، ۴۳۱ نفر از دانشجویان دانشگاه شیراز به عنوان نمونه، مورد مطالعه قرار گرفتند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن بوده است که رابطه معنادار مثبتی میان هویت اسلامی و متغیرهای هویت ملی و هویت قومی و رابطه معنادار منفی‌ای میان متغیر هویت اسلامی و هویت جهانی وجود داشته است. یافته‌های حاصل از رگرسیون چندمتغیره نیز نشان‌دهنده این واقعیت بود که متغیرهای هویت ملی و هویت جهانی، در مجموع، ۴۵ درصد از تغییرات متغیر هویت اسلامی را تبیین کردند. نتایج حاکی از آن است که هویت ملی و هویت قومی، هویت اسلامی را تقویت می‌کنند و رابطه مثبتی با آن دارند و در واقع، هویت رقیبی برای هویت اسلامی محسوب نمی‌شوند؛ اما هویت جهانی برای هویت اسلامی، هویت رقیبی به‌شمار می‌آید و رابطه منفی‌ای بین این دو برقرار است. واژگان کلیدی: هویت اسلامی، هویت جهانی، هویت ملی، هویت قومی.

iman@shirazu.ac.ir

۱. استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی دانشگاه شیراز

مقدمه

پرسش از «هویت»^۱، پرسش از ارزش‌ها و هنجارهای افراد در گروه‌های متفاوت است. افراد با داشتن هویت‌های گوناگون و شناسایی خود در قالب‌های هویتی رقیب، همیشه در پی ایجاد تمایز^۲ بین خود و دیگری بوده‌اند؛ تمایزی که همیشه نشانی از ارزش‌ها و هنجارهای خاص برای فرد/افراد به حساب می‌آمده است. در واقع تمایز نه در میان فرد/افراد، بلکه در میان ارزش‌ها و هنجارهای او/آنان بوده است (زهیری، ۱۳۸۰: ۱۰۶-۱۰۵). حتی معنای لغوی هویت نیز بر ذات، هستی، سرشت، غایت و کمال مطلق اشاره دارد (میرمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۶-۷).

این مفهوم از حوزه روان‌شناسی که بیان‌گر مرحله‌ای از تحول جسمی و شخصیتی انسان بود، وارد سایر حوزه‌های علمی و اجتماعی گردید؛ حوزه‌هایی نظیر جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، انسان‌شناسی، علوم تربیتی، علوم سیاسی، تاریخ، جغرافیای سیاسی و بسیاری از حوزه‌های دیگر علوم انسانی که این مفهوم را در رابطه با حوزه علمی خود، بسط و گسترش دادند (دوران، ۱۳۸۷: ۲۶-۷).

در پی این امر، جامعه‌شناسان هویت را در ابعاد گوناگونی نظیر هویت ملی، قومی، اسلامی و غیره دسته‌بندی کردند. در ساده‌ترین نگاه ممکن، هرکدام از این هویت‌ها دارای ارزش‌ها و هنجارهای خاص خود هستند و به نوعی، در رقابت با هم قرار دارند؛ زیرا هرکدام از آنها، شبکه هویتی افراد خاصی را دارا هستند که شامل ارزش‌ها و هنجارهای ویژه خودشان می‌شود. اما شبکه‌های هویتی افراد، می‌توانند هویت‌های گوناگونی را در یک زمان واحد اخذ کنند و حتی هویت‌های متفاوت، قلمروهای مشترک و تقویت‌کننده‌ای نسبت به هم می‌توانند داشته باشند. این شبکه‌های هویتی، در طول زمان تغییر می‌کنند و در نتیجه، همواره در حال دگرگون شدن، بازسازی، بازاندیشی^۳ و به‌طور کلی «در حال شدن» هستند (معینی علمداری، ۱۳۸۳: ۳۱).

افراد در جامعه ایران نیز می‌توانند در زمان واحدی، هویت‌های متفاوتی را برای شناسایی خود برگزینند؛ از جمله آنها می‌توان به هویت ملی، قومی، جهانی و اسلامی اشاره کرد. هویت ملی^۴ را می‌توان به عنوان مجموعه معناسازی‌ای بر مبنای سیستمی به هم پیوسته از ویژگی‌های فرهنگی، تاریخی، سیاسی و جغرافیایی تعریف کرد که طی آن، افراد در چارچوب عضویت در یک جامعه سیاسی، در قبال آن احساس همبستگی، تعهد و وفاداری می‌کنند (زهیری، ۱۳۸۴: ۳۲). هویت ملی، در واقع، بیشترین تعهد به جامعه و ملت است و تعلق به یک ملت را نشان می‌دهد.

1. Identity
2. Distinction
3. Reflexivity
4. National Identity





با استقلال کشورهای مستعمره و گسترش ناسیونالیسم^۱ ملی در کشورهای مستعمره، مفاهیم جدیدی مانند «هویت قومی»^۲ و «قوم‌مداری»^۳ پدیدار گشت (گیرتز، ۲۰۰۰: ۲۳۴؛ اوزکیریملی،^۴ ۲۰۰۰: ۴۸؛ ویدون، ۲۰۰۴: ۱-۲؛ نقل شده در جهانگیری و معینی، ۱۳۹۰: ۳۸). بر این اساس، هویت قومی را می‌توان مجموعه ایده‌های فرد درباره اعضای گروه قومی خود و بازشناسی خود با استفاده از برجسب‌های قومی دانست (مارتا،^۵ ۱۹۹۳: ۱). ورود این مفاهیم به حوزه علوم اجتماعی، بدین سبب بود که در بسیاری از کشورهای تازه استقلال یافته و برخی از کشورهای اروپایی و امریکایی، افراد در گروه‌های هویتی چندگانه‌ای عضویت داشتند که احساس تعلق نسبت به آنها، در مقابل هویت ملی و جامعه‌ای آنان قرار می‌گرفت. از جمله این هویت‌های چندگانه، پیوستگی افراد به هویت‌های محلی، منطقه‌ای، قومی و غیره را می‌توان ذکر کرد. این پیوستگی به هویت‌های خُرد، گاهی اوقات، آنچنان در مقابل هویت ملی قرار می‌گرفت که موجب بروز درگیری‌های قومی نظیر درگیری‌های قومی در سومالی در دهه ۱۹۹۰ شد که به مرگ هزاران انسان انجامید (اخوان زنجانی، ۱۳۷۲: ۳۲).

«هویت اسلامی»^۶ به ساده‌ترین صورت ممکن، در آیه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتِّقَاكُمْ» نمود یافته است. هویت اسلامی، در واقع نشان‌دهنده احساس تعلق و تعهد به دین و جامعه دینی است. مهم‌ترین دستاورد هویت اسلامی، پاسخ‌دادن به پرسش‌های بنیادی، جهت‌بخشیدن به زندگی، وحدت اعتقادی و معنابخشیدن به جهان است (شرفی، ۱۳۷۴: ۱۰۲-۹۹؛ نقل شده در رفعت‌جاه و شکوری، ۱۳۸۷: ۶). هویت اسلامی، در واقع بازنمایی این واقعیت است که هیچ فرد یا گروهی، بر فرد یا گروه دیگری برتری ندارد، جز کسانی که تقوای الهی داشته باشند. هویت اسلامی، در واقع نه بر برتری فرد یا گروه، بلکه بر برتری تقوا و پرهیزگاری در میان انسان‌ها تأکید دارد. در این میان، «هویت جهانی»^۷ فرایندی اجتماعی است که در آن، قیدوبندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است، از بین می‌رود و مردم به‌طور فزاینده، از کاهش این قیدوبندها آگاه می‌شوند (واترز، ۱۳۷۹: ۱۲؛ نقل شده در حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۸۵: ۳). این بدان معنا است که افراد، تعلق به یک ملت، فرهنگ یا منطقه خاص

1. Nationalism
2. Ethnic Identity
3. Ethno Centrism
4. Ozkirimli
5. Martha
6. Islamic Identity
7. Global Identity

جغرافیایی فرهنگی ندارند؛ بلکه در مقابل، تمام جهان را «زیست‌جهان»^۱ خود می‌دانند و حوزه عمل و زندگی خود را سرتاسر جهان می‌دانند.

بدین جهت، تحقیق حاضر سعی دارد رابطه بین هویت اسلامی، به مثابه هویتی که فرامکان و فرازمان است را با دیگر هویت‌های رقیب (هویت قومی، ملی و جهانی) بررسی کند؛ در واقع، در پی این واقعیت خواهیم بود که آیا این ابعاد هویتی، در تقابل با هویت اسلامی قرار می‌گیرند یا آن را تقویت می‌کنند؟ چه رابطه‌ای بین این هویت‌ها وجود دارد؟ کدام گونه هویتی، برجستگی بیشتری در میان نمونه آماری تحقیق داراست؟ و آیا دانشجویان، هویت خاصی را برای خود برجسته می‌کنند یا هویت‌های چندگانه را برای خود برمی‌گزینند؟

پیشینه تحقیق

در واقعیت امر، در این زمینه، تحقیق خاصی در ایران صورت پذیرفته است و رابطه بین این گونه‌های هویتی، نسبتاً مجهول مانده است؛ در واقع، به‌طور نظری، اندیشمندان زیادی درباره رابطه بین این گونه‌های هویتی، در قالب نظریه‌های متفاوت بحث کرده‌اند، اما به صورت تجربی، این روابط نظری، به‌طور کامل و در این سطح از متغیرهای هویتی، سنجیده نشده بودند. فقط، ابوالحسنی (۱۳۸۸) سعی کرده است رابطه بین این متغیرها را در سطح شهر تهران بررسی کند که آن تحقیق نیز از حد توصیف فراتر نرفته است و به بررسی روابط تجربی میان این متغیرها، پرداخته است. در نتیجه، تحقیق حاضر سعی داشته است رابطه تجربی این متغیرها را بررسی کند؛ اما در هر صورت، به دلیل اینکه تحقیقات تجربی اصیلی در این زمینه صورت پذیرفته است، تحقیق حاضر نتوانسته است از تحقیقات تجربی پیشین، بهره بهینه را ببرد. از جانب دیگر، این موضوع در سایر کشورها نیز آنچنان که باید، پردازش نشده است. در هر صورت، تحقیقات مربوط در این زمینه، به‌طور خلاصه بررسی خواهند شد.

سحابی و آقابیک‌پوری (۱۳۸۹) در مطالعه‌شان «بررسی تأثیر بُعد فرهنگی جهانی شدن بر هویت قومی؛ مطالعه موردی: جوانان پانزده تا بیست‌ون‌ساله شهرستان بوکان» سعی داشته‌اند رابطه بعد فرهنگی جهانی شدن با هویت قومی را در شهرستان بوکان بررسی کنند. نتایج آنها حاکی از آن بوده است که با قوی‌تر شدن میزان نگرش به جهانی شدن، هویت قومی افراد تضعیف می‌شود. جلالی‌پور و قنبری (۱۳۸۸) در مطالعه‌شان «بررسی هویت ملی و ارزش‌های جهانی شدن، با تأکید بر ایرانیان عرب‌زبان» سعی داشته‌اند به این پرسش پاسخ گویند که





آیا ارزش‌های بنیادین جهانی شدن، سبب برجستگی هویت قومی در برابر هویت ملی در میان عرب‌زبانان ایرانی می‌شود؟ نتایج تحقیق آنها نشان‌دهنده این واقعیت بود که گرایش به ارزش‌های جهانی شدن، موجب برجستگی بیشتر هویت قومی در برابر هویت ملی، در میان اعراب خوزستان شده است.

ابوالحسنی (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای با عنوان «سازگاری هویت‌ها در فرهنگ ایرانی؛ مطالعه موردی: شهروندان تهرانی» به بررسی چهار هویت (هویت قومی، ملی، امتی و جهانی) شهروندان تهرانی پرداخته است. نتایج وی حاکی از آن است که هویت ملی با ۹۴ درصد، در رأس قرار دارد و پس از آن، هویت قومی و امتی قرار دارد و در نهایت، هویت جهانی با ۶۹ درصد، در پایین‌ترین سطح قرار دارد. معیادفر و سهلی‌بر (۱۳۸۶) نیز در مطالعه‌ای، به بررسی جهانی شدن و شکل‌گیری سیاست فرهنگی محلی و مصرف رسانه‌ای بلوچ‌های ایران و چالش‌های هویت قومی و هویت ملی پرداخته‌اند. آنها معتقدند مصرف متون قومی، انیمیشن‌های جذاب امریکایی دوبله شده به زبان قومی و مصرف گسترده فیلم‌های عامه‌پسند هندی، موجب شده است که از یک سو، فرهنگ سنتی بلوچی به چالش کشیده شود، اما از سوی دیگر، با برجسته‌ساختن هویت قومی سنتی، تضعیف مؤلفه‌های هویت اسلامی و شیوع عناصر فرهنگی شبه قاره هند، هویت ملی ایرانی را بحران زده کند.

حافظ‌نیا و همکاران (۱۳۸۵) در مطالعه‌شان «تأثیر جهانی شدن بر هویت ملی؛ مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران» در پی پاسخ به این پرسش بوده‌اند که چه نسبتی میان جهانی شدن و هویت ملی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران وجود دارد. نتایج آماری تحقیق آنها نشان‌دهنده این واقعیت بود که با استفاده از ابزارهای جهانی شدن (اینترنت و ماهواره)، هویت ملی دانشجویان کاهش می‌یابد. از جانب دیگر، با استفاده از رسانه‌های جهانی شدن، هویت فراملی افزایش پیدا نمی‌کند؛ بلکه هویت‌های فروملی (هویت‌های قومی و ناحیه‌گرا) افزایش می‌یابد. احمدی (۱۳۸۱) در مقاله‌ای با عنوان «جهانی شدن؛ هویت قومی یا هویت ملی»، به بررسی مباحث مرتبط با رشد قوم‌گرایی در پرتو جهانی شدن پرداخته است. وی معتقد است که رشد هویت‌های قومی در عرصه جهانی شدن، بیشتر ساده‌انگارانه است و فرایند جهانی شدن، لزوماً منجر به رشد حرکت‌های قوم‌خواهانه نمی‌شود. در مقابل، به نظر وی، در سطح نظام جهانی، هویت ملی و نه هویت قومی، جایگاه مستحکم‌تری پیدا خواهد کرد. آنچنان‌که از تحقیقات پیشین برمی‌آید، پژوهشی دقیق و کامل در زمینه مقایسه هویت‌های

رقیب در کشور صورت پذیرفته است؛ در واقع، تابه حال تحقیقی در زمینه برجستگی انواع هویت‌ها در ایران صورت پذیرفته است که اولویت هویتی افراد را مشخص کند. از جانب دیگر، تحقیقات خارجی در زمینه هویت اسلامی، جهانی، ملی و قومی دربارهٔ زمینه اجتماعی کشور ایران صورت پذیرفته است؛ به همین منظور، لزوم انجام دادن چنین تحقیقی برای برنامه‌ریزی بهتر اجتماعی فرهنگی، ضرورت می‌یابد.

چارچوب نظری

کشور ایران با دارا بودن اقوام در سراسر مرزها و در درون کشور، از جمله کشورهای در جهان است که دارای تنوع قومی فراوانی است؛ به همین منظور پتانسیل‌های فراوانی نظیر مرزنشینی، استقرار اقوام مشابه در مناطق همجوار کشورهای همسایه، دخالت بیگانگان، موازی شدن شکاف قومی، زبانی، مذهبی و غیره موجب تحریک و تحرکات قومی و برجسته شدن هویت قومی در میان افرادی از این اقوام می‌شود. از جانب دیگر، فرایند شکل‌گیری ملت و هویت ملی در معنای جدید^۱ آن، در زمان رضاشاه پهلوی آغاز گردیده است که همین امر، به دلیل گرایش‌های ضد مذهبی رضاشاه از یک سو و سیاست همانندسازی^۲ سایر اقوام ایرانی با فرهنگ مسلط از سوی دیگر، موجب شده است که هویت ملی در نظر افراد، در مقابل هویت اسلامی و قومی شکل گیرد. از جانب دیگر، در دهه‌های اخیر، با گسترش تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی^۳، مرزهای واقعی در حال رنگ‌باختن هستند؛ در این میان، فرایند جهانی شدن^۴ نقش عمده‌ای را بازی می‌کند. این فرایند که به طور عمده، تحت هدایت کشورهای غربی است، نوع خاصی از فرهنگ را با خود همراه کرده است که اندیشمندان گوناگون، از آن با عناوین امریکایی شدن^۵، مک‌دونالیزه شدن^۶، کوکاکولاییزه شدن^۷، غربی شدن^۸ و غیره یاد کرده‌اند. این فرهنگ جهانی که نمادهای آن در زندگی روزانه ما ایرانیان مشاهده می‌شود، با سرعت زیادی در حال گسترش است و انواع دیگر گونه‌های هویتی را به چالش می‌کشد.

در چنین فضایی که هر کدام از انواع هویت‌های انسان ایرانی، زمینه بروز و برجسته شدن را

1. Modern
2. Assimilation
3. Informatics' and Communicative Technologies
4. Globalization
5. Americanization
6. McDonaldization
7. Cocacolonization
8. Westernization





دارند، روابط بین انواع هویتی به چه صورت خواهد بود؟ برای پاسخ دادن به این پرسش، باید خط‌کشی تحلیلی در اختیار باشد که در ابتدا، هر کدام از هویت‌های مطرح شده را در حد نهایت خود برجسته سازد و سپس، به مقایسه آنها پردازد. بدین منظور، نظریه شلدون/استرایکر^۱ برای بررسی رابطه بین این هویت‌ها انتخاب گردید. نظریه استرایکر، در واقع ابتدا، «هویت مرکزی»^۲ و اصلی اشخاص را نشان می‌دهد و سپس در مرحله بعدی، رابطه آن را با دیگر هویت‌های افراد در زمینه ساختار اجتماعی نشان می‌دهد. از جانب دیگر، نظریه استرایکر این امکان را مطرح می‌کند که اگر محدودیت‌های ساختاری کاهش یابد، احتمال جذب افراد به هویت‌های چندگانه، بیشتر می‌شود و افراد دارای هویت‌های برجسته چندگانه‌ای^۳ می‌شوند؛ به همین منظور، در تحقیق حاضر، از نظریه استرایکر استفاده و رابطه بین انواع هویتی افراد بررسی خواهد شد. استرایکر در نظریه‌های خود، «سلسله مراتب برجستگی هویت»^۴ و «نظریه هویت عاطفه»^۵، به بررسی رفتار انسانی در اجرای نقش‌های هویتی در زمینه «کنش متقابل اجتماعی نمادین»^۶ پرداخته است. وی با تأکید بر موقعیت کنش‌گران، در واقع، میان فرد و ساختار اجتماعی رابطه برقرار می‌کند و از سطح فردی، به سطح ساختاری حرکت می‌کند و سپس این مسیر را دوباره برمی‌گردد (استرایکر، ۱۹۹۹: ۲۳؛ دسروکرس و همکاران، ۲۰۰۴: ۶۱؛ ریتزر،^۸ ۱۳۸۴: ۳۰۸).

استرایکر معتقد است که بسیاری از کنش‌های رفتاری ما، در ساختارهای اجتماعی مشخص، تعیین‌پذیرند و افراد تقریباً از انتظارات هویتی و نقشی خود در موقعیت‌ها آگاه هستند؛ اما همچنان که شروع به کنش متقابل می‌کنند، شکل و محتوای کنش متقابل آنها ممکن است تغییر کند و هم‌سو با انتظارات آنها از آن موقعیت ساختاری نباشد. مقدار این تغییرات، به نوع ساختار اجتماعی بستگی دارد؛ اما در هر صورت، ساختارها، کنش‌های افراد را محدود می‌کنند. در نهایت، پلی که استرایکر میان فرد و ساختار می‌زند، موجب برتری ساختار بر فرد می‌شود؛ زیرا وی معتقد است که افراد خودشان را به عنوان ابژه‌هایی^۹ در رابطه با موقعیتشان در ساختار اجتماعی درک و شناسایی می‌کنند (ترنر،^{۱۰} ۲۰۰۳: ۳۶۹).

1. Sheldon Stryker
2. Core Identity
3. Multiple Salience Identity
4. Salience Hierarchy of Identity
5. Identity Theory of Emotion
6. Symbolic Social Interaction
7. Desrochers et al.
8. Ritzer
9. Objects
10. Turner



استرایکر معتقد است هویت‌ها بخشی از «خود»^۱ هستند و در واقع، خودآگاهی‌های درونی شده‌ای هستند که با موقعیت‌هایی که افراد در درون ساختار اجتماعی برمی‌گزینند، پیوسته و همراه هستند. در نتیجه به اعتقاد وی، هویت‌ها ارتباطی مابین خود و ساختار هستند؛ زیرا به باور وی، هویت‌ها نمایش‌هایی هستند که افراد در رابطه با موقعیتشان در ساختار اجتماعی اجرا می‌کنند. این نمایش‌های ساختاری و موقعیتی در نزد استرایکر، در سلسله‌مراتبی از برجستگی قرار می‌گیرند. این برجستگی هویت‌ها، سبب می‌شود که هویتی که در این سلسله‌مراتب در سطح بالاتری قرار گرفته است، نسبت به هویتی که در سطح پایین‌تری قرار گرفته است، بیشتر استفاده شود. وی همچنین معتقد است که اگر محدودیت‌های ساختاری، کم باشد یا ساختار، گنگ و نامشخص باشد، افراد می‌توانند هویت‌های چندگانه‌ای را برای خود اتخاذ کنند؛ اما در مقابل، اگر ساختار، محدودیت‌های فراوانی را بر کنش‌گران وارد سازد، نوع و میزان برجستگی احتمالی هویت‌ها پیش‌بینی‌پذیر می‌شود و افراد معمولاً هویتی برجسته را برای خود برمی‌گزینند. استرایکر برای مفهوم‌پردازی رابطه میان هویت و ساختار اجتماعی، از مفهوم «تعهد»^۲ استفاده می‌کند. وی تعهد را این‌گونه تعریف می‌کند: درجه‌ای که شخصی رابطه‌اش را با دیگران، بر اساس وابستگی به نوع خاصی از هویت تعریف می‌کند. هرچقدر این وابستگی به نوع خاصی از هویت، بیشتر باشد، شخص به هویت خود متعهدتر می‌شود و این هویت خاص، در سلسله‌مراتب برجستگی، در سطح بالایی قرار می‌گیرد. در این میان، وی معتقد است هرچقدر احساس اعتماد به نفس^۳ شخص بیشتر شود، به همان میزان، تعهد او به نوع خاصی از هویت، افزایش می‌یابد و در مقابل، تعهد بسیار به یک هویت، خود نیز موجب ایجاد اعتماد به نفس بیشتر در شخص می‌شود. در این مسیر، استرایکر معتقد است که هویت افراد، در رابطه با دیگران ارزیابی می‌شود؛ در واقع، هرچقدر شبکه ارتباطات با دیگرانی که نوع خاصی از هویت را دارند افزایش یابد، به همان میزان، آن هویت خاص برجسته‌تر می‌شود و در مقابل، هرچه رابطه فرد و شبکه ارتباطی وی با دیگران، دارای آن هویت خاص نباشد و هویت خاص دیگری داشته باشد، به همان میزان، از برجستگی هویت خاص فرد کاسته می‌شود. در واقع، در این زمان، محدودیت‌های ساختاری مبهم یا کاسته می‌شوند و در نتیجه، افراد هویت‌های دیگری را برای خود برمی‌گزینند و از میزان تعهد فرد به هویت خاص، کاسته

1. Self
2. Commitment
3. Self-Steem

می‌شود (استرایکر و بورک^۱، ۲۰۰۰: ۲۸۶؛ اونز^۲ و استرایکر، ۲۰۰۱: ۲؛ کاروترس^۳، ۲۰۰۴: ۳۴-۲۹؛ استتس^۴ و بورک، ۲۰۰۳: ۱۳۵).

نظریه استرایکر آنچنان که مشخص است، به بررسی برجستگی هویت می‌پردازد. این نظریه، هویت را در رابطه با فرد و ساختار اجتماعی قرار می‌دهد و در واقع، هویت را در سطح متوسط بررسی می‌کند. نظریه سلسله‌مراتب برجستگی هویت استرایکر، بر این نکته تأکید می‌کند که هویت‌ها، نمایش‌هایی هستند که افراد در بستر موقعیتشان در ساختار اجتماعی، اجرا می‌کنند. برای بررسی دقیق رابطه بین انواع هویتی در میان مشارکت‌کنندگان، قضیه زیر از نظریه استخراج می‌گردد و فرضیات مدنظر، از آن استخراج می‌شود:

قضیه شماره یک:

۱. افزایش تعهد به هویت اسلامی، منجر می‌شود به الف) کاهش تعهد به هویت ملی؛ ب) کاهش تعهد به هویت جهانی؛ ج) کاهش تعهد به هویت قومی.
۲. کاهش تعهد به هویت اسلامی، منجر می‌شود به الف) افزایش تعهد به هویتی دیگر؛ ب) انتخاب هویت‌های چندگانه.

این قضیه از نظریه استرایکر استخراج شده است؛ اما همچنان که ذکر شد، استرایکر معتقد است وقتی محدودیت‌های ساختاری، بسیار کاهش می‌یابند یا گنگ می‌شوند، افراد به سوی هویت‌های چندگانه جذب می‌شوند و احتمال اینکه در آن واحد، هویت‌های متفاوتی را برای خود برجسته کنند، بیشتر می‌شود. در نتیجه، قضیه شماره دو می‌تواند به صورت زیر، قضیه شماره یک را تکمیل نماید.

قضیه شماره دو:

۱. کاهش محدودیت‌های ساختاری، منجر می‌شود به الف) گرایش به سوی هویت‌های چندگانه؛ ب) برجستگی هویت‌های چندگانه.
 ۲. افزایش محدودیت‌های ساختاری، منجر می‌شود به الف) گرایش به سوی هویت یگانه و مرکزی؛ ب) برجستگی هویت مرکزی.
- فرضیات تحقیق بر اساس فرضیه اول و با توجه به شرایط فرضیه دوم طرح شده‌اند که در ادامه، ارائه می‌شوند.

1. Burk
2. Owens
3. Carrothers
4. Stets



فرضیه‌های تحقیق

۱. بین هویت اسلامی و هویت جهانی، رابطه وجود دارد (با افزایش تعهد به هویت اسلامی، میزان تعهد به هویت جهانی کاهش می‌یابد).
۲. بین هویت اسلامی و هویت ملی، رابطه وجود دارد (با افزایش تعهد به هویت اسلامی، میزان تعهد به هویت ملی کاهش می‌یابد).
۳. بین هویت اسلامی و هویت قومی، رابطه وجود دارد (با افزایش تعهد به هویت اسلامی، میزان تعهد به هویت قومی کاهش می‌یابد).

روش پژوهش

پژوهش حاضر، مبتنی بر روش پیمایش بوده و در آن از پرسش‌نامه، به عنوان ابزار پژوهش استفاده شده است. پرسش‌نامه شامل پرسش‌هایی در سنجش هویت اسلامی (شامل هفت پرسش)، پرسش‌هایی در سنجش هویت قومی دانشجویان (شامل دوازده پرسش)، پرسش‌هایی در سنجش هویت ملی (شامل یازده پرسش) و پرسش‌هایی در سنجش هویت جهانی (شامل هشت پرسش) بود. در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۰ از میان پانزده هزار دانشجوی دانشگاه شیراز، با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه‌گزینی با ضریب اطمینان ۹۵ درصد و واریانس جمعیت ۵۰-۵۰ درصد (فرض بالاترین حد واریانس در جمعیت) برابر با ۳۸۶ نفر بود. کل روند نمونه‌گیری، براساس نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک از روی لیست نام دانشجویان انجام شد. ذکر این نکته ضروری است که به دلیل اینکه فقط نام و نام‌خانوادگی، محل تولد و رشته دانشجویان در دسترس محققان قرار گرفت (هیچ‌گونه اطلاعات برای تماس برقرار کردن با دانشجو در اختیار محققان قرار نگرفت)، مصاحبه با آنان و تکمیل پرسش‌نامه‌ها با مشکلاتی مواجه بود که به همین منظور، نمونه به ۴۵۰ نفر ارتقا داده شد. از میان پرسش‌نامه‌های عودت داده شده، ۴۳۱ نمونه بررسی شد. لازم به ذکر است که اعتبار تحقیق، از طریق اعتبار صوری و پایایی آن، از طریق ضریب آلفای کرونباخ حاصل شد. ضرایب به دست آمده از آلفای کرونباخ، بیش از ۷۰ درصد بوده است و به صورت دقیق، در بخش یافته‌های تحقیق، در زیر طیف‌های مورد بررسی ذکر شده است.

یافته‌های تحقیق

جدول شماره ۱ توزیع فراوانی، میانگین و انحراف معیار گویه‌های مربوط به متغیر هویت



قومی را نشان می دهد. همان گونه که در جدول دیده می شود، بیشترین میانگین متعلق به گویه پنجم «از قومیت (کردبودن، ترک بودن، فارس بودن یا...) خود کمال رضایت را دارم.» با میانگین ۳/۹۶ است. همچنین کمترین میانگین، متعلق به گویه اول «برای کسب اطلاعات از تاریخ و سنن قوم، زمان زیادی را صرف می کنم.» با میانگین ۲/۸۵ است. این متغیر در سطح سنجش فاصله ای بررسی شده است.

جدول شماره ۱. اطلاعات توصیفی متغیر هویت قومی

انحراف معیار	میانگین	بیشترین	کمترین	جملات
۱/۰۹	۲/۸	۵	۱	برای کسب اطلاعات از تاریخ و سنن قوم، زمان زیادی را صرف می کنم.
۱/۱	۲/۸	۵	۱	مایلم بیشتر در گروه هایی فعالیت کنم که هم قومی های من در آن باشند.
۱/۱	۳/۶	۵	۱	من نسبت به قومیت احساس غرور می کنم.
۱/۱	۳/۴	۵	۱	مطمئنم که قومیت تأثیر مثبتی در زندگی من داشته است
۰/۹	۳/۹	۵	۱	از قومیت (کردبودن، ترک بودن، فارس بودن یا...) خود کمال رضایت را دارم.
۱/۱	۳/۴	۵	۱	همیشه خود را پایبند به قومیت می دانم.
۱/۱	۳/۲	۵	۱	پایبندی به گروه قومیت، در رفتارم مشخص است.
۱/۱	۳/۱	۵	۱	دوست دارم درباره قومیت با همه صحبت کنم.
۱/۰	۳/۷	۵	۱	من به قومیت خود افتخار می کنم.
۰/۹	۳/۷	۵	۱	در مراسم های فرهنگی قومیت مثل عروسی و غیره شرکت می کنم.
۱/۰	۳/۶	۵	۱	علاقه زیادی به قومیت خود دارم.
۱/۱	۳/۶	۵	۱	از زبان قومی ام در محاوره های روزمره استفاده می کنم.

$$\alpha = 0.92$$

جدول شماره ۲ توزیع فراوانی، میانگین و انحراف معیار گویه های مربوط به متغیر هویت ملی را نشان می دهد. همان گونه که در جدول دیده می شود، بیشترین میانگین متعلق به گویه دوم «من به سرزمین ایران عشق می ورزم.» و گویه یازدهم «من همیشه می خواهم که تیم ورزشی کشورم در جهان نام آور شود.» با میانگین ۳/۹۳ است. همچنین کمترین میانگین متعلق به گویه سوم «آدم در کشور خودش هرچقدر سختی بکشد، بهتر از رفتن به کشور بیگانه است» با میانگین ۳/۰۶ است. این متغیر در سطح سنجش فاصله ای بررسی شده است.



جدول شماره ۲. اطلاعات توصیفی متغیر هویت ملی

انحراف معیار	میانگین	بیشترین	کمترین	جملات
۱/۰۸	۳/۸۱	۵	۱	من افتخار می‌کنم که ایرانی هستم.
۰/۹۷	۳/۹۳	۵	۱	من به سرزمین ایران عشق می‌ورزم.
۱/۳۳	۳/۰۶	۵	۱	آدم در کشور خودش، هرچقدر سختی بکشد، بهتر از رفتن به کشور بیگانه است.
۱/۱۷	۳/۵۱	۵	۱	من به ایرانیان که یکی از بافرهنگ‌ترین ملل هستند، افتخار می‌کنم.
۱/۲۰	۳/۴۳	۵	۱	حاضریم تا آخرین قطره خونم، از کشورم دفاع کنم.
۱/۲۲	۳/۴۶	۵	۱	با شنیدن سرود کشورم، به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنم.
۱/۱۲	۳/۶۶	۵	۱	همیشه به پرچم ایران احترام می‌گذارم.
۱/۳۱	۳/۳۲	۵	۱	خیلی وقت‌ها به خودم می‌گویم کاش در ایران به دنیا نیامده بودم.
۱/۲۷	۳/۳۰	۵	۱	اگر فرصتی پیش بیاید، حاضریم برای همیشه از ایران بروم.
۱/۱۷	۳/۳۱	۵	۱	زندگی در ایران برایم بسیار سخت است.
۱/۰۵	۳/۹۳	۵	۱	من همیشه می‌خواهم که تیم ورزشی کشورم در جهان، نام‌آور شود.

$$\alpha = 0.92$$

جدول شماره ۳ توزیع فراوانی، میانگین و انحراف معیار گویه‌های مربوط به متغیر هویت جهانی را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول دیده می‌شود، بیشترین میانگین متعلق به گویه هشتم «به قوانین جهانی، حقوق بشر، حقوق زنان، حقوق کودک و غیره احترام می‌گذارم» با میانگین ۴/۱۳ است. همچنین کمترین میانگین، متعلق به گویه اول «اقتصاد ایران به اقتصاد جهان پیوند خورده است» با میانگین ۲/۸۶ است. این متغیر در سطح سنجش فاصله‌ای بررسی شده است.



جدول شماره ۳. اطلاعات توصیفی متغیر هویت جهانی

انحراف معیار	میانگین	بیشترین	کمترین	جملات
۱/۲۵	۲/۸۶	۵	۱	اقتصاد ایران به اقتصاد جهان پیوند خورده است.
۰/۹۴	۳/۷۳	۵	۱	در تنظیم امور و زندگی شخصی، باید تحولات جهانی را مدنظر قرار داد.
۰/۹۸	۳/۷۸	۵	۱	به بهانه قوانین داخلی، نمی توان قوانین جهانی را نادیده گرفت.
۱/۱۷۲	۳/۱۹	۵	۱	از محصولات فرهنگی جالب غربی خوشم می آید، حتی اگر با فرهنگم مغایر باشد.
۰/۹۵	۳/۴۵	۵	۱	امروزه، مردم بیشتر پایبند به ارزش های جهانی هستند تا ارزش های اسلامی و ملی.
۱/۰۳	۳/۳۵	۵	۱	قوانین کشور باید براساس قوانین جهانی سامان یابد.
۰/۹۳	۳/۸۱	۵	۱	بدون توجه به عوامل جهانی، پیشرفتی در کشور حاصل نمی شود.
۰/۸۴	۴/۱۳	۵	۱	به قوانین جهانی، حقوق بشر، حقوق زنان، حقوق کودک و غیره احترام می گذارم.

$$\alpha = 0.72$$

جدول شماره ۴، توزیع فراوانی، میانگین و انحراف معیار گویه های مربوط به متغیر هویت اسلامی را نشان می دهد. همان گونه که در جدول دیده می شود، بیشترین میانگین متعلق به گویه سوم «به اعتقاد من دین داری زندگی افراد را سامان می دهد» با میانگین ۳/۷۶ است. همچنین کمترین میانگین، متعلق به گویه هفتم «اوقات فراغتم را با مطالعه کتب دینی پر می کنم» با میانگین ۲/۵۱ است. این متغیر در سطح سنجش فاصله ای بررسی شده است.

جدول شماره ۴. اطلاعات توصیفی متغیر وابسته (هویت اسلامی)

انحراف معیار	میانگین	بیشترین	کمترین	جملات
۱/۱۰	۳/۲۲	۵	۱	در فعالیت های دینی شرکت می کنم.
۰/۹۶	۳/۷۶	۵	۱	به اعتقاد من، دین داری زندگی افراد را سامان می دهد.
۱/۰۸	۳/۵۷	۵	۱	آموخته های دینی دست و پای آدم را می بندد.
۱/۱۱	۳/۴۰	۵	۱	حاضرم برای دینم بجنگم.
۱/۰۹	۳/۲۹	۵	۱	احساس می کنم مذهب نیازهای من را برآورده می کند.
۱/۱۱	۳/۳۷	۵	۱	پایبندی به اصول مذهبی، خوشبختی افراد را تضمین می کند.
۱/۱۴	۲/۵۱	۵	۱	اوقات فراغتم را با مطالعه کتب دینی پر می کنم.

$$\alpha = 0.90$$





جدول شماره ۵، میزان میانگین گرایش افراد به انواع گونه‌های هویتی را در بین مشارکت‌کنندگان در تحقیق نشان می‌دهد. طیف‌های تشکیل دهنده هر کدام از متغیرهای تحقیق، تعداد گویه‌های متفاوتی داشتند؛ بدین منظور، جمع مقدار طیف‌های استفاده‌شده برای متغیرها، تقسیم بر تعداد گویه‌های آن متغیرها شد و سپس میانگین آنها محاسبه شد. بدین طریق، نتایج استاندارد شدند و امکان مقایسه بین متغیرها، عملی گشت. آنچنان‌که اطلاعات جدول نشان می‌دهد، مشارکت‌کنندگان به ترتیب، بیشترین گرایش را به هویت جهانی، هویت ملی، هویت قومی و هویت اسلامی داشته‌اند.

جدول شماره ۵. میانگین گرایش افراد به انواع گونه‌های هویتی

هویت ملی	هویت اسلامی	هویت جهانی	هویت قومی	میانگین
۳/۵۱۶	۳/۳۰	۳/۵۳	۳/۴۴	

جدول شماره ۶، ماتریس همبستگی میان متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد. نتایج جدول حاکی از آن است که رابطه مثبتی میان هویت اسلامی، هویت قومی و هویت ملی وجود دارد و بین هویت اسلامی و هویت جهانی، رابطه منفی‌ای وجود دارد. در واقع هویت‌های ملی و فراملی، با هویت اسلامی، رابطه معنادار و هویت جهانی، رابطه معکوسی با هویت اسلامی داشته است. اما نکته قابل تأمل در این میان، همبستگی بسیار بالای هویت ملی و هویت اسلامی است که نشان می‌دهد این دو متغیر، هم‌تغیری بسیار بالایی دارند. از جانب دیگر، هویت جهانی نیز رابطه منفی‌ای با این دو نوع هویت (ملی و اسلامی) داراست، اما رابطه مثبتی با هویت قومی دارد. این امر نشان‌دهنده این امر است که هویت ملی و اسلامی، هم‌تغیری بالایی نسبت به دو متغیر دیگر دارند و این دو گونه هویتی، در کل، در راستای هم قرار دارند و برجستگی برابری را از خود نشان می‌دهند؛ اما در مقابل، هویت جهانی و هویت قومی، هم‌تغیری بیشتری نسبت به هم نشان می‌دهند.

جدول شماره ۶. ماتریس همبستگی متغیرهای تحقیق

هویت اسلامی	هویت ملی	هویت قومی	هویت جهانی
هویت اسلامی	۱/۰	۰/۶۳۱**	۰/۳۳۴**
هویت ملی	۰/۶۳۱**	۱/۰	۰/۲۲۳**
هویت قومی	۰/۱۲۱*	۰/۲۰۱**	۱/۰
هویت جهانی	۰/۳۳۴**	۰/۲۲۳**	۰/۱۳۵**

** سطح معنی‌داری ۹۹ درصد

* سطح معنی‌داری ۹۵ درصد



به منظور بررسی رابطه بین متغیر هویت اسلامی و هویت ملی پاسخ‌گویان، از تکنیک آماری رگرسیون تک‌متغیره در جدول شماره ۷ استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصل شده، همبستگی کاملاً بالایی بین متغیر هویت ملی ($R = 0.631$) و هویت اسلامی وجود داشته است. مقدار ضریب تعیین برای متغیر هویت ملی $R^2 = 0.398$ نشان می‌دهد که متغیر پیش‌بین (هویت ملی)، تأثیر بسیاری در تبیین تغییرات مشاهده‌شده در جمعیت نمونه، از نظر هویت اسلامی آنها داشته است. ضریب بتا برای متغیر هویت ملی ($\beta = 0.631$) جهت مثبت و رابطه مستقیم بین متغیر مستقل و متغیر وابسته را نشان می‌دهد. ضریب B برای متغیر هویت ملی ($B = 0.381$) حاکی از این است که به ازای هر واحد افزایش در متغیر پیش‌بین (هویت ملی)، به همان میزان واحد به متغیر ملاک (هویت اسلامی) افزوده می‌شود (به دلیل مثبت بودن مقدار ضریب B). درباره معنی دار بودن رابطه‌های فوق با توجه به مقادیر F، T، و sig می‌توان این گونه نتیجه گرفت که رابطه بین هویت ملی و هویت اسلامی، معنی دار بوده است.

جدول شماره ۷. آزمون تحلیل رگرسیون تک‌متغیره متغیر هویت ملی و هویت اسلامی

متغیر پیش‌بین	R	R ²	R ² Ad (تعدیل شده)	خطای معیار	ضریب B	ضریب Beta	مقدار T	مقدار F	سطح معنی‌داری
هویت ملی	0.631	0.398	0.397	4/694	0.381	0.631	16/363	267/764	0/000

به منظور بررسی رابطه بین متغیر هویت اسلامی و هویت قومی پاسخ‌گویان، از تکنیک آماری رگرسیون تک‌متغیره در جدول شماره ۸ استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصل شده، همبستگی کمی بین متغیر هویت قومی ($R = 0.12$) و هویت اسلامی وجود داشته است. مقدار ضریب تعیین برای متغیر هویت قومی ($R^2 = 0.015$) نشان می‌دهد که متغیر پیش‌بین (هویت قومی) تأثیر اندکی در تبیین تغییرات مشاهده‌شده در جمعیت نمونه، از نظر هویت اسلامی آنها داشته است. ضریب بتا برای متغیر هویت قومی ($\beta = 0.121$) جهت مثبت و رابطه مستقیم بین متغیر مستقل و متغیر وابسته را نشان می‌دهد. ضریب B برای متغیر هویت قومی ($B = 0.077$) حاکی از این است که به ازای هر واحد افزایش در متغیر پیش‌بین (هویت قومی)، به همان میزان واحد به متغیر ملاک (هویت اسلامی) افزوده می‌شود (به دلیل مثبت بودن مقدار ضریب B). درباره معنی دار بودن رابطه‌های فوق، با توجه به مقادیر F، T، و sig می‌توان این گونه نتیجه گرفت که رابطه بین هویت قومی و هویت اسلامی، معنی دار بوده است.

جدول شماره ۸. آزمون تحلیل رگرسیون تک‌متغیره متغیر هویت قومی و هویت اسلامی

متغیرهای پیش‌بین	R	R ²	R ² Ad (تعدیل شده)	خطای معیار	ضریب B	ضریب Beta	مقدار T	مقدار F	سطح معنی‌داری
هویت قومی	۰/۱۲۱	۰/۰۱۵	۰/۰۱۲	۶/۰۲۴	۰/۰۷۷	۰/۱۲۱	۲/۴۴۳	۵/۹۷۱	۰/۰۱۵

به منظور بررسی رابطه بین متغیر هویت اسلامی و هویت جهانی پاسخ‌گویان، از تکنیک آماری رگرسیون تک‌متغیره در جدول شماره ۹ استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصل شده، همبستگی متوسطی بین متغیر هویت جهانی ($R = ۰/۳۳۴$) و هویت اسلامی وجود داشته است. مقدار ضریب تعیین برای متغیر هویت جهانی ($R^2 = ۰/۱۱۲$) نشان می‌دهد که متغیر پیش‌بین (هویت جهانی)، تأثیر متوسطی در تبیین تغییرات مشاهده‌شده در جمعیت نمونه از نظر هویت اسلامی آنها داشته است. ضریب بتا برای متغیر هویت جهانی ($Beta = -۰/۳۳۴$) جهت منفی و رابطه معکوس بین دو متغیر را نشان می‌دهد. ضریب B برای متغیر هویت جهانی ($-۰/۴۲۱$) $B =$ حاکی از این است که به ازای هر واحد افزایش در متغیر پیش‌بین (هویت جهانی) به همان میزان، از متغیر ملاک (هویت اسلامی) کاسته می‌شود (به دلیل منفی بودن مقدار ضریب B). درباره معنی‌دار بودن رابطه‌های فوق با توجه به مقادیر T، F و sig می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که رابطه بین هویت جهانی و هویت اسلامی، معنی‌دار بوده است.



جدول شماره ۹. آزمون تحلیل رگرسیون تک‌متغیره متغیر هویت جهانی و هویت اسلامی

متغیرهای پیش‌بین	R	R ²	R ² Ad (تعدیل شده)	خطای معیار	ضریب B	ضریب Beta	مقدار T	مقدار F	سطح معنی‌داری
هویت جهانی	۰/۳۳۴	۰/۱۱۲	۵/۶۹۲	۴/۷۹۴	-۰/۴۲۱	-۰/۳۳۴	۳۶/۳۹۵	۵۲/۴۹۳	۰/۰۰۰

جدول شماره ۱۰ نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره به شیوه گام‌به‌گام را نشان می‌دهد. بررسی نتایج نشان می‌دهد که با سطح معنی‌داری، معادله رگرسیون دارای دو مرحله است که در هر مرحله، یک متغیر به معادله وارد شده است. نتایج جدول نشان می‌دهند که متغیرهای هویت ملی (۴۱/۳ درصد) و هویت جهانی (۳/۹ درصد) در مجموع ۴۵/۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته تحقیق (هویت اسلامی) را تبیین کرده‌اند. در واقع میزان $R \bullet$ متغیرهای مستقل وارد شده در معادله به شیوه گام‌به‌گام، برابر با $R = ۰/۴۵۲ \bullet$ شده است.

جدول ۱۰. آزمون رگرسیون چندگانه به شیوه گام به گام متغیرهای مستقل درون معادله برای پیش‌بینی متغیر وابسته (هویت اسلامی)

متغیر پیش‌بین	R	مقدار R ² در هر مرحله	R ² تجمیعی گام به گام	R ² Ad (تعدیل شده)	خطای معیار	ضریب B	ضریب Beta	مقدار T	مقدار F	سطح معنی داری
هویت ملی	۰/۶۴۳	۰/۴۱۳	۰/۴۱۳	۰/۴۱۲	۴/۶۱	۰/۳۵۴	-۰/۵۹۴	۱۵/۲۴۲	۲۷۰/۳۹۷	۰/۰۰۰
هویت جهانی	۰/۶۷۳	۰/۰۳۹	۰/۴۵۲	۰/۴۴۹	۴/۴۶	-۰/۲۵۶	-۰/۲۰۴	-۵/۲۳۲	۱۵۸/۱۷۳	۰/۰۰۰

نتیجه‌گیری

انسان‌ها همیشه خود را با هویت‌های گوناگون شناسایی می‌کنند. این شبکه‌های هویتی افراد، معمولاً برای ایجاد تمایز بین افراد استفاده می‌شوند؛ اما افراد اغلب خود را با نوع خاصی از هویت شناسایی می‌کنند که بیشترین اهمیت را برای آنها داشته باشد. بدین ترتیب، فرد خود را با ارزش‌ها و هنجارهای خاصی نشان می‌دهد و دوست دارد که افراد دیگر نیز او را در همین زمینه شناسایی کنند. تحقیق حاضر در همین زمینه، به بررسی هویت اسلامی و انواع هویت‌های رقیب (جهانی، ملی و قومی) پرداخته است.

همچنان‌که ذکر شد، هویت اسلامی به ساده‌ترین صورت ممکن، در آیه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ» نمود یافته است. این نوع از هویت، در واقع فراتر از زمان و مکان بوده است و همه افراد را در زیر پرچم تقوای الهی، یکپارچه می‌کند. اما سایر ابعاد هویتی افراد دارای تعلقات زمانی-مکانی هستند و هر یک تعلق به چیزی را تبلیغ می‌کنند. هویت قومی، تعلق به مای قومی و هویت ملی، تعلق به مای جمعی و ملی ملتی را نشان می‌دهند. در ابعادی گسترده‌تر، هویت جهانی به نوعی، تعلق به نظام جهانی را فراتر از مرزهای ملی پیگیری می‌کند.

نتایج تحقیق حاضر، با تحقیق ابوالحسنی در زمینه هویت ملی سازگاری ندارد. نتایج تحقیق حاضر نشان داده است که هویت جهانی، دارای بیشترین میانگین در میان مشارکت‌کنندگان می‌باشد که تحقیق ابوالحسنی، بالاترین میانگین را هویت ملی نشان می‌دهد. در تحقیق حاضر، میانگین هویت ملی تقریباً با هویت جهانی برابری می‌کند، اما هویت جهانی در تحقیق ابوالحسنی، پایین‌ترین میزان را نشان می‌دهد. این امر نشان‌دهنده آن است که در میان دانشجویان، هویت جهانی برجسته‌تر از سایر گونه‌های هویتی است که می‌تواند به سبک زندگی آنان و ارتباطات بیشتر آنها با فرهنگ و تکنولوژی‌های جدید مربوط باشد. نتایج معیدفر و شهلی‌بر، هم‌سو با



تحقیق حاضر، نشان‌دهنده این واقعیت بود که با افزایش روند جهانی شدن، هویت اسلامی دچار چالش شده و تضعیف می‌شود. در تحقیق حاضر نیز رابطه منفی قوی‌ای بین هویت اسلامی و هویت جهانی وجود داشته است.

نتایج آمار استنباطی نشان می‌دهد که هویت اسلامی رابطه معناداری با هویت قومی داشته است. در کشور ایران به لحاظ تاریخی، سوابق تحركات قومی دیده می‌شود و حتی کشور ایران دارای بافت قومی خاصی نیز می‌باشد؛ اما نتایج حاصل از تحقیق، نشان‌دهنده این واقعیت است که هویت قومی، دیگر نقش چندانی در شناسایی افراد با مشخصات قومی ندارد. در واقع هر چند تقریباً نیمی از پاسخ‌گویان از اقوام مختلف بوده‌اند (بیش از ۴۰ درصد پاسخ‌گویان)، اما این افراد هویت اصلی خود را فراتر از هویت قومی تعریف کرده‌اند؛ به عبارت دیگر، هویت قومی اهمیت سابق خود را از دست داده است و قابلیت در تبیین مسائل اجتماعی و فردی ندارد. این نتایج همچنین نشان می‌دهد که هویت اسلامی با هویت جهانی رابطه منفی قوی‌ای دارد. این امر بدان معنا است که با افزایش هویت اسلامی، هویت جهانی کاهش می‌یابد؛ اما از سوی دیگر، هویت اسلامی با هویت ملی دارای رابطه مثبت و هم‌افزایی است و با افزایش یکی، دیگری نیز افزایش پیدا می‌کند. در این زمینه، می‌توان این نکته را خاطر نشان کرد که تعلق ملی و اسلامی، دارای مرزهای مشترکی هستند؛ همچنان‌که برای مثال، در جنگ تحمیلی هشت‌ساله، این دو در کنار هم قرار گرفتند و تعلق به میهن و حاکمیت ملی در دفاع از جغرافیای سرزمینی، در کنار کسب تقوا برای رزمندگان بوده است. نمونه‌های فراوانی از این رویدادها در تاریخ کشور ایران قابل شناسایی هستند. در نتیجه این امر، می‌توان این برداشت را ارائه کرد که قدرت این دو گونه هویتی، بسیار قوی‌تر از سایر گونه‌های هویتی مانند هویت جهانی یا هویت قومی است. براساس نتایج حاصل شده، گرایش افراد مورد مطالعه به هویت ملی، بیشتر از هویت جهانی، قومی و اسلامی بوده است؛ اما همچنان‌که ذکر شد، فاصله چندانی بین گرایش به هویت ملی و جهانی وجود ندارد؛ در نتیجه با دقت و توجه به نتایج حاصل شده از تحقیق، می‌توان این نتیجه را گرفت که هویت ملی افراد، هم‌سو با هویت اسلامی آنان در میان مطالعه‌شوندگان بوده است. این امر بدان معنی است که با افزایش هر کدام از این دو گونه هویتی افراد، گونه هویتی دیگر آنها نیز افزایش می‌یابد. اما در نقطه مقابل، هویت جهانی نقش بسیار زیادی دارد؛ زیرا رابطه منفی حاکم در میان این دو گونه هویتی، نشان می‌دهد که تعلق به ارزش‌های غربی/ جهانی در مقابل تعلق به ارزش‌های فرامکانی و فرازمانی اسلامی قرار می‌گیرد. در این زمینه می‌توان به





بنیادهای فرهنگ جهانی یا امریکایی اشاره کرد که مبتنی بر لذت مادی و دنیوی است و اصل را بر مبنای کسب سود برای سود گذاشته است؛ اما در مقابل، فرهنگ اسلامی، اصل و برتری را برتری در تقوا و پرهیزگاری می‌گذارد و از تمایزگذاری‌های مادی و دنیوی پرهیز می‌کند. اما در این میان، آنچه آشکار است، گرایش تقریباً فراوان مشارکت‌کنندگان به فرهنگ جهانی است. در این زمینه می‌توان ادعا کرد که این سبک زندگی فرهنگی (مخصوصاً در میان دانشجویان) در حال رشد و گسترش است و با توجه به تمایز معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی آن با هویت ملی و اسلامی، می‌تواند به صورت بالقوه و بالفعل، خطری برای فرهنگ ملی و اسلامی کشور محسوب شود. بر همین اساس برای مقابله با اثرات هویت جهانی، باید هر دو بعد هویت ملی و اسلامی تقویت شوند؛ در واقع نباید تقویت ابعاد هویتی یک‌سویه باشد و هویت اسلامی یا ملی، به صورت مجزا تقویت شود، بلکه تبلیغ و تقویت این دو باید در کنار هم و با هم باشد. نتایج سایر تحقیقات، همچون معیدفر و شهلای بر نیز نشان داده‌اند که هویت جهانی در حال رشد و گسترش است و هم هویت سنتی و هم هویت اسلامی را دچار چالش کرده است.

در باره تبیین نظری صورت گرفته و قضیه مستخرج از نظریه استرایکر نیز می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که نظریه استفاده‌شده، تقریباً به درستی مسئله تحقیق را تبیین کرده است؛ بدین معنی که می‌توان ادعا کرد نظریه استرایکر، توانسته است تبیین نظری کاملی را از موضوع تحقیق ارائه کند و نتایج تجربی نیز این نظریه را تأیید می‌کنند؛ در نتیجه این نظریه تأیید می‌شود. در واقع بر اساس نظر استرایکر، هویت‌ها نمایش‌هایی هستند که افراد در رابطه با موقعیتشان در ساختار اجتماعی اجرا می‌کنند.

این نمایش‌های ساختاری و موقعیتی در نزد استرایکر، در سلسله‌مراتبی از برجستگی قرار می‌گیرند. این برجستگی هویت‌ها سبب می‌شود که هویتی که در این سلسله‌مراتب در سطح بالاتری قرار گرفته است، نسبت به هویتی که در سطح پایین‌تری قرار گرفته است، بیشتر استفاده شود. در این تحقیق، هویت جهانی و ملی افراد، برجسته‌تر از سایر گونه‌های هویتی آنان بود. در این میان، هویت ملی همچنان که ذکر شد، رابطه مثبت و هم‌افزایی با هویت اسلامی دارد که در نتیجه آن، می‌توان گفت که هویت برجسته‌تر افراد، هویت اسلامی و ملی آنهاست و این دو گونه هویتی را نمی‌توان از هم جدا کرد.

بر اساس قضیه اول استخراج‌شده از نظریه استرایکر، هویت اسلامی در مقابل هویت ملی قرار گرفته است؛ اما باید به این امر توجه کرد که بستر اجتماعی (کشور ایران) که آنها را در

رابطه مستقیم قرار داده است، بستری با محدودیت‌های ساختاری پایین است که بر اساس قضیه دوم تحقیق، این امر موجب گرایش به هویت‌های چندگانه و برجستگی هویت‌های چندگانه در افراد می‌شود. بدین سبب می‌توان گفت محدودیت‌های ساختاری، در این دو زمینه هویتی بسیار پایین است و در نتیجه، این دو گونه هویتی می‌توانند با تقویت یکدیگر، به برجسته‌ترین ابعاد هویت افراد تبدیل شوند و برجستگی بیشتری نسبت به هویت جهانی از خود نشان دهند. به عبارت دیگر، به دلیل اینکه محدودیت‌های ساختاری در رابطه با این دو گونه هویتی، پایین است و اشتراکات فراوانی که این دو دارند، موجب شده است که افراد از یک سو دارای هویت‌های چندگانه (میزان بالایی از هویت ملی و اسلامی) باشند و از سوی دیگر، میزان بالایی از برجستگی هویتی (برجستگی هویت ملی و اسلامی) را نشان دهند.

بر همین اساس، پذیرش نظریه استرایکر، با تبیین تجربی همراه است. همچنین بر اساس قضیه اول استخراج شده از چارچوب نظری تحقیق، هویت اسلامی که به لحاظ معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی با هویت جهانی دارای تعارض است، در یافته‌های تجربی نیز رابطه معکوسی با هویت جهانی داشته است و در نتیجه، نتایج تحقیق قضیه اول استخراج شده از چارچوب نظری را تأیید می‌کند. هویت قومی نیز هر چند رابطه‌ای مثبت با هویت اسلامی داشته است، اما به طور کلی، هم به لحاظ مفهومی و هم به لحاظ تجربی، هم‌تغییری بیشتری با هویت جهانی دارد؛ زیرا کسانی که هویت قومی بالاتری را از خود نشان می‌دهند، گرایش بیشتری به استفاده از ابزارها و فرهنگ جهانی نشان می‌دهند که در تقابل با هویت اسلامی و ملی قرار می‌گیرد.



کتابنامه

- ابوالحسنی، سید رحیم (۱۳۸۸)، «سازگاری هویت‌ها در فرهنگ ایرانی؛ مطالعه موردی: شهروندان تهرانی»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۳۹، شماره ۲، صص ۲۳-۴۹.
- احمدی، حمید (۱۳۸۱): «جهانی شدن؛ هویت قومی یا هویت ملی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال سوم، شماره ۱۱: صص ۱-۲۴.
- اخوان‌زنجانی، داریوش (۱۳۷۲)، «بحران سومالی و مسئولیت جامعه بین‌المللی»، *اطلاعات اقتصادی و سیاسی*، شماره ۶۹ و ۷۰، صص ۳۲-۳۹.
- جلایی‌پور، حمیدرضا و علی قنبری (۱۳۸۸)، «بررسی هویت ملی و ارزش‌های جهانی شدن با تأکید بر ایرانیان عرب‌زبان»، *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، سال سوم، شماره ۲، صص ۱۸۸-۱۶۵.
- جهانگیری، جهانگیر و مهدی معینی (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و هویت ملی؛ مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شیراز»، *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، سال هفتم، شماره ۲، صص ۳۷-۷۴.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، مراد کاویانی‌راد، بدالله کریمی‌پور و مهدی طاهرخانی (۱۳۸۵)، «تأثیر جهانی شدن بر هویت ملی؛ مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران»، *فصلنامه ژئوپولوتیک*، سال دوم، شماره ۳ و ۴، صص ۱-۲۱.
- دوران، بهزاد (۱۳۸۷)، *هویت اجتماعی: رویکردها و نظریه‌ها*، تهران: جهاد دانشگاهی.
- رفعت‌جابه، مریم و علی شکوری (۱۳۸۷)، «اینترنت و هویت اجتماعی»، *مجله جهانی رسانه*، دوره ۵، صص ۱-۱۷.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۴)، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، مترجم: محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- زهیری، علیرضا (۱۳۸۰)، «هویت ملی و انقلاب اسلامی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۱۰۵-۱۲۴.
- زهیری، علیرضا (۱۳۸۴)، «چیستی هویت ملی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال هشتم، شماره ۲۹، صص ۲۹-۵۰.
- سحابی، جلیل و هاشم آقاییک‌پوری (۱۳۸۹)، «بررسی تأثیر بعد فرهنگی جهانی شدن بر هویت قومی؛ مطالعه موردی جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهرستان بوکان»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال یازدهم، شماره ۱، صص ۱۳۵-۱۵۴.
- معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۳)، «هویت، تاریخ و روایت در ایران» در: *ایران: هویت، ملیت، قومیت*، حمید احمدی، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- معیدفر، سعید و عبدالوهاب شهلی‌بر (۱۳۸۶)، «جهانی شدن و شکل‌گیری سیاست فرهنگی محلی و مصرف رسانه‌ای بلوچ‌های ایران و چالش‌های هویت قومی و هویت ملی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، سال پانزدهم، شماره ۵۷-۵۶، صص ۲۰۸-۱۸۳.
- میرمحمدی، داوود (۱۳۸۳)، *گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران*، تهران: تمدن ایرانی.



Carrothers, Robert (2004), "Identity Consequences of Religious Conversion: Applying Identity Theory to Religious Changing", A Dissertation Submitted to Kent University in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy, Department of Sociology.

Desrochers, Stephan and Jeanine Andreassi and Cynthia Thompson (2004), "Identity Theory", *Organization Management Journal*, Vol. 1, No. 1, pp. 61-69.

Geertz, Clifford (2000), *The Interpretation of Cultures*, New York: Basic Books.

Martha. E. Banal & George. P. Knishes (1993), *Ethnic identity formation and transmission among Hispanic and other minorities*, New York: Suny Series.

wens, Timothy J. and Sheldon Stryker (2001), "The Future of Self-Esteem: An Introduction", in: *Extending Self-Esteem Theory and Research, Sociological and Psychological Currents*, Eds by Timothy J. Owens and Sheldon Stryker and Norman Goodman, Cambridge: Cambridge University Press.

Ozkirimli, Umut (2000), *Theories of Nationalism: A Critical Introduction*, London: Macmillan Press Ltd.

Stets, Jan and peter Burke (2003), "A sociological Approach to Self and Identity", in *Handbook of self and identity*, Eds by Mark R. Leary and June Price Tangney, New York: Guilford Press.

Stryker, Sheldon (1999), "Exploring the relevance of social cognition for the relationship of self and society: Linking the cognitive perspective and identity theory", in *The self-society dynamic Cognition, emotion, and action*, Eds by Judith A. Howard and Peter L. Callero, Cambridge: Cambridge University Press.

Stryker, Sheldon and Peter J. Burke (2000), "The Past, Present, and Future of an Identity Theory", *Social Psychology Quarterly*, Vol. 63, No. 4, pp. 284-297.

Turner, Jonathan (2003), *The Structure of Sociological Theory*, New York: Wadsworth.



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۴۸

دوره ششم
شماره ۱
بهار ۱۳۹۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی